

مقدمه: کلیات

- واژه اخلاق دارای معانی گوناگونی است، از جمله به معنای پند و اندرزها، سنت‌های جاری و متداول در جامعه، تحقیق علمی در چند و چون عواطف یعنی فضائل و رذایل اخلاقی و پرسش از اصول و مبانی رفتار است، که در نهایت سخن از فلسفه اخلاق است، یعنی انسان در زندگی باید تابع چه اصولی باشد، حجیت و حقانیت این اصول در چیست و از کجاست؟ اصولاً چرا باید در کارهای خود تابع اصول باشیم. به طور کلی فلسفه اخلاق مجموعه پژوهشها و مطالعات فلسفی در حوزه اخلاق است که بحث از بایدها و نبایدها، ارزشها و الزامات اخلاقی، آزادی و عدالت، تکلیف و مسئولیت و هویت و کمال و سعادت انسانها را در بر می‌گیرد. این مباحث امروزه به یکی از جذاب‌ترین مباحث فلسفی و مورد توجه فیلسوفان مبدل شده است، تا جایی که به عقیده برخی از محققان، شورانگیزترین مباحث فلسفی در قرن بیست و یکم و آغاز هزاره سوم را مباحث مرتبط با حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست شکل می‌دهد و علاقه و اشتیاق وافر بسیاری از محققان و پژوهشگران عرصه فلسفه به تحقیق و نظریه پردازی در این حوزه، مویدی بر این مدعاست.

پاسخ‌گویی به این پرسش که معیار حسن و قبح و صواب و خطا چیست، همیشه دغدغه و دل‌مشغولی فلاسفه و اهل فکر و فضل بوده و هست و امروزه با رشد و رواج نگرشهای نسبی‌گرایانه و تغییر و تقلب ارزشها و آرمانهای اخلاقی و بطور کلی به دلیل پیچیدگیهای حاکم بر زندگی و روابط و مناسبات انسانی، در جهان مدرن، ضرورت و اهمیت شناخت و تعیین و تعریف ارزشها و الزامات اصیل اخلاقی و پی‌جویی و ارائه ملاک و معیاری دقیق و درست جهت تعیین خوب و بد و حسن و قبح اهمیت ویژه و وافر یافته است و این تحقیق نیز باب و بهانه‌ای برای ورود به حوزه مباحث عمیق و دقیق فلسفه اخلاق و نظریه‌های اخلاقی هنجاری بوده و علاقه و اشتیاق نگارنده به مطالعه و تحقیق در حوزه فلسفه اخلاق اولین و مهمترین دلیل و داعی برای گزینش این مبحث و موضوع بوده و به عنوان اولین قدم و آغاز یک راه، با همه مشکلات و موانع، نویدبخش و لذت‌آفرین و بسی پر بهره و بار بوده است. در این پایان‌نامه به تبیین و تحلیل و بررسی و نقد نظریه اصالت منفعت اخلاقی که از آن به فایده‌گرایی و سودگرایی نیز یاد می‌شود، پرداخته شده که از برخی جهات از اهمیت و شیوع و شهرت بالایی برخوردار بوده و هست و کل پایان‌نامه در پنج فصل تنظیم شده است.

- از سویی فایده‌گرایی، علاوه بر آن که شاخصه‌ها و شاخه‌های متنوع و متعدد دارد، با شاخه‌های مختلف و مستقل علمی دیگر، نظیر فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، اقتصاد و زیر شاخه‌های علمی دیگر، ربط و ارتباط تنگاتنگی دارد و از این نظر، شرح و شکافت این نظریه اخلاقی و نقد و بررسی آن محتاج و

مستلزم آگاهی و اطلاع از مباحث مطرح در دیگر حوزه‌های فلسفی و علوم انسانی نیز بود. ولی با وجود موانع و مشکلات بسیار، در رجوع به متون و منابع اصلی و معتبر و به رغم آن که منابع در دسترس معتبر و مرتبط با نظریه فایده‌گرایی محدود و معدود بودند، نگارنده تمام تلاش و همت خویش را مصروف داشت، تا با مراجعه به دانشگاهها و کتابخانه‌های مختلف شهرهای ایران و حوزه‌های علمی خاوران و با استفاده از شبکه‌های جهانی اطلاع‌رسانی (اینترنت) و همچنین با رجوع به دایرة‌المعارف‌های معتبر در حوزه فلسفه و فلسفه اخلاق، تا حد امکان از منابع اصلی و معتبر استفاده کند. در عین اختصار و ایجاز، تحقیقی جامع و مانع و متین ارائه نماید و طبیعتاً نگاه کلی و همه‌جانبه، به نظریه فایده‌گرایی با تمام شقوق و شاخه‌های آن، مستلزم صرف نظر از بسیاری امور جزئی است. نگارنده خود به این امر واقف است، که این تحقیق پایان کار نیست و هر شاخه و شعبه و تقریر و تنسیق فایده‌گروانه نیاز به بحث و بررسی و نقل و نقد دارد و خود می‌تواند موضوع رساله‌ای مستقل باشد و بی‌شک اگر منابع معتبر بیشتری موجود و در دسترس می‌بود، این تحقیق از غنای بیشتری برخوردار می‌گشت.

امیدوارم که تحقیق و پژوهش در حوزه فلسفه اخلاق مقدمه و زمینه‌ای برای تجلی و تخلق به اخلاق حسنه و کسب ملکه تقوی و فضائل اخلاقی باشد.

- معنی لغوی و اصطلاحی فایده‌گرایی:

واژه **Utilitarianism**¹ از کلمه **Utile** (اسم و صفت) به معنای سودمند و مفید و صلاح و مصلحت گرفته شده است و در لغت هم به معنای سودمندگرایی و یا به تعبیر رایج‌تر سودگروی و فایده‌گروی است. هرچند جرمی بنتام¹ (۱۷۴۷-۱۸۳۲) فیلسوف انگلیسی، حداقل یک بار از این واژه در معنای اصطلاحی آن استفاده کرده است ولی این، جان استوارت میل² (۱۸۰۶-۱۸۷۳) شاگرد او و فیلسوف مشهور انگلیسی بود، که این واژه را به طور رسمی وارد فلسفه کرد. میل این واژه را با تغییراتی در معنای آن، از یک نویسنده اسکاتلندی به نام جان گالت³ اقتباس کرد و از آن خود نمود.

¹- این واژه در زبان فرانسوی **utilitarism** در زبان آلمانی **utilitarimus** و در عربی از آن به مذهب المنفعیه و یا مذهب المنفعه و یا اخلاق الغائیه تعبیر می‌شود این واژه در زبان فارسی به واژه‌های متنوع و مختلفی نظیر: سودمندگرایی، سود آئینی، مطلوب‌گرایی، منفعت‌گرایی، اصالت نفع، اصالت سود، بهره‌جویی، فایده‌باوری، سودباوری، سودانگاری، سودنگری، سودگروی تعبیر و ترجمه شده است. که در این تحقیق ما بیشتر از واژه اصالت منفعت یا فایده‌گرایی استفاده خواهیم کرد.

2- Jeremy Bentham

3- John Galet

فایده‌گرایی در معنی اصطلاحی آن به دسته‌ای از نظریه‌های اخلاقی و خصوصاً نظریه اخلاقی و سیاسی جرمی بنتام و جان استوارت میل، دو فایده‌گرای سرشناس سنتی^۱، اطلاق می‌شود. نظریه غایت‌گرایانه‌ای که مبتنی بر اصل بالاترین خوشی و سود است. از این نظریه اخلاقی، تنسیق‌ها و تقریرهای متفاوت و متعددی ارائه شده، که به مجموعه همه این نظریه‌ها با کمی تسامح، فایده‌گروی اطلاق می‌شود. البته در عرف و ادبیات فیلسوفان اخلاق، از این واژه بیشتر فایده‌گروی لذت‌گرای بنتام و میل به ذهن متبادر می‌شود ولی به طور کلی می‌توان گفت: منظور از فایده‌گرایی، نظریه‌ای است که معتقد است یگانه معیار نهایی صواب، خطا و الزام اخلاقی عبارت است از اصل فایده^۲ این اصل قائل به بیشترین خوشی کسانی است که ذی‌ربط یا مطرح‌اند و آن را یگانه غایت درست و مطلوب عمل انسانی می‌داند.^۳

اهمیت موضوع:

بحث و بررسی و در نهایت نقد نظریه فایده‌گرایی، از چند جهت مهم است: نخست آنکه فایده‌گرایی، یکی از نظریه‌ها و نظام‌های پر نفوذ و پر طرفدار در سنت فلسفی غرب بوده و هست و به عنوان یک نهضت و جنبش اصلاحی در قرن هجدهم، سر منشأ بسیاری از تحولات شگرف در ساختار سیاسی اجتماعی بسیاری از کشورهای اروپایی بوده است. این نهضت با طرفداری از دموکراسی، نظامهای فئودال را از بین برد و با تکیه بر رأی مردم و قانون‌گذاری به نفع مردم و توجهی که به ایجاد منفعت برای عموم داشت، مورد استقبال فراوانی قرار گرفت. جو عمومی افکار در این دوره، بخصوص در کشورهای انگلیسی زبان، تحت تأثیر انقلاب صنعتی، در اندیشه معقولیت بخشیدن به سودجویی‌های اجتماعی بود. و مکتب اصالت فایده با نظریه‌های سیاسی و اقتصادیش، بهترین زمینه‌ها و توجه را برای جریان ایجاد شده به وجود آورد. نکته دیگر اینکه صرف نظر از شهرت و نفوذ چشمگیر فایده‌گرایی در فکر و فرهنگ غربی، این نظریه اخلاقی به دین و آموزه‌های دینی بی‌اعتناست و اساساً نگرشی سکولار و ضد دینی به حساب می‌آید. به این جهت، رقیب نظامهای اخلاقی دینی بوده و در تقابل با اندیشه‌های دینی است. و از این نظر بررسی و نقد این نظریه هنجاری برای ما که به دین و ارزشهای والای آن باور داریم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. و در این دوران تعامل و ارتباط، امکان تبیین و نمود بیش از پیش حقانیت نظام اخلاقی و فکری کامل اسلام را در بر دارد.

۱- فایده‌گروی سنتی، گونه‌ای از فایده‌گروی است که اصل عام فایده‌گروی را که می‌گوید: یک فعل، اخلاقاً درست است اگر انجام دادن آن خوبی ذاتی در عالم ایجاد کند را بالذات گروی که فقط لذت را ذاتاً مطلوب میدانند، ترکیب کرده‌اند. ر.ج. ادواردز، پل، فلسفه اخلاق. ترجمه انشاء الله رحمتی، ص ۲۵۸

۲- مصباح، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۱۶۵

۳- کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه از بنتام تا راسل، ج ۸ (ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی) ص ۲۵

- سابقه و پیشینه تحقیق:

از زمان طرح این نظریه توسط جرمی بنتام و بسط آن توسط جان استوارت میل، پژوهشگران و محققان فراوانی درباره این نظریه به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند از جمله، فردریک کاپلستون، پل ادواردز، ویلیام کی فرانکنا، السدر مک اینتایر و فیلسوفان زیادی با پرداختن به بخش‌های مختلفی از این نظریه، به جنبه‌های جدیدی از فایده‌گرایی دست پیدا کرده‌اند مانند هیر، جی ای، مور، ویلیامز جیمز و دیگران که ما در این تحقیق از آثار آنها استفاده کرده ایم ولی در کشور ما درباره این نظریه تحقیقات زیادی صورت نگرفته، چرا که منابع تحقیق و پژوهش کم بوده و به اهمیت این موضوع واقف نیستند. ولی کسانی مانند استاد محمد تقی مصباح، مجتبی مصباح، آقای منوچهر صانعی دره بیدی آقای زرشناس، محمد علی فروعی و ... در آثار خود به این مکتب اشاراتی کرده اند.

- روش تحقیق:

در این تحقیق که با روش تحلیل محتوا صورت گرفته، پس از بررسی و تحقیق فراوان در رابطه با موضوع، چهارچوب و طرح کلی آن با مشورت با اساتید مشخص شد. و پس از فیش‌برداری، تخلیص و گرده‌برداری مطالب و دسته‌بندی در فصل‌های مختلف گنجانده شد. در این تحقیق از سایت‌های اینترنتی و کتابخانه‌ها نیز استفاده گردید.

فصل اول

سیر تاریخی نظریه

فایده‌گرایی

۱-۱- بخش اول: جایگاه فایده‌گرایی در بین نظریه‌های اخلاقی

۱-۱-۱- آشنایی با فلسفه اخلاق^۱:

فلسفه اخلاق نوعی مطالعه فلسفی در باب اخلاق است. در واقع فلسفه اخلاق یکی از شاخه‌های فلسفه است که با اخلاق، مسائل و احکام^۲ آن سرو کار دارد.^۳ خوب یا بد دانستن یک فرد و صواب^۴ و خطا^۵ دانستن یک عمل در بردارنده نوعی ارزیابی است. فلسفه اخلاق با این بعد از تجربه ما از ارزش^۶ یعنی با اندیشه اخلاقی سر و کار دارد.^۷

۱-۱-۲- موضوع فلسفه اخلاق:

معمولاً بهترین راه شناخت هر علم، شناخت موضوع آن است، موضوع فلسفه اخلاق را غالباً اخلاق^۸ معرفی می‌کنند. فلسفه اخلاق درباره اخلاق است و اخلاق دستگامی از عقاید جاری جامعه است که در بردارنده منش‌ها^۹ و رفتار افراد آن جامعه و شامل بایدها و نبایدهایی درباره این رفتارها و منش‌هاست. به این معنا می‌توان آن را نشان‌گر «نهاد اخلاقی زندگی» نامید. در این معنا اخلاق چیزی هم عرض هنر، علم، دین، حقوق و البته متفاوت از آنها و تا حدی مرتبط با آنهاست.^{۱۰} بنابراین شناخت اخلاق، منوط به جداسازی آن از قانون، سیاست و آداب و رسوم اجتماعی است. به طور مثال وجه تمایز اخلاق از سیاست آن است که سیاست بازتابی از مصالح اجتماعی است که معیار اصلی آن رأی اکثریت است. اما در اخلاق رأی اکثریت، ملاک تعیین درست و غلط به حساب نمی‌آید.^{۱۱} در باب شیوه برقراری تمایز میان مسائل اخلاقی و مسائل حوزه‌های دیگر، نظرات مختلفی مطرح شده است، ولی در هر حال آنچه روشن است این است که مفهوم اخلاق در طول تاریخ و در حاشیه نظرات اخلاقی، شکل گرفته است. به هر حال می‌توانیم انواع مباحثی که به گونه‌ای با تفکر اخلاقی ارتباط دارند، بازشناسیم.

^۱- Morul philosophy

^۲- Judgments

۳- فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، (ترجمه هادی صادقی)، ص ۲۵

^۴- Right

^۵- Wrony

^۶- Value

۷- مک ناوتن، دیوید، بصیرت اخلاقی، (ترجمه محمود فتحعلی)، ص ۲۵

^۸- Morality

^۹- Character

۱۰- فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، (ترجمه هادی صادقی)، ص ۲۹ و ۲۸

۱۱- اتکینسون، آر. اف، درآمدی بر فلسفه اخلاق، (ترجمه سهراب علوی‌نیا)، ص ۱۸ و ۱۷

۱-۱-۲-۱-۱- اخلاق توصیفی^۱:

اخلاق توصیفی با این پرسش آغاز می‌شود که در جوامع مختلف و گوناگون، و یا در ادیان و سنت و سیره‌های رفتار متداول بین انسانهایی که در نقاط مختلف جهان زندگی می‌کنند، چه کاری درست و بایسته تلقی می‌شود و چه عملی نادرست و قبیح. مثلاً قتل و یا سقط جنین از دیدگاه پیروان ادیان مختلف و یا مردمان نژادهای مختلف، با آداب متنوع، چه حکمی دارد و قواعد اخلاقی که در جوامع مختلف به نحو مشترکی مورد قبولند، چه هستند.

پژوهش‌هایی که با رویکرد توصیفی و گزارشی در زمینه اخلاق صورت می‌گیرند به شرح و توصیف و مقایسه اخلاقیات حاکم بر جوامع مختلف نظر دارند و البته چنین مطالعاتی، مستلزم تحقیقات تجربی و تاریخی و جمعیت‌شناختی هستند.

اخلاق توصیفی زیرمجموعه اخلاق نظری و فلسفی است.^۲ این اخلاق، نوعی تحقیق تجربی، توصیفی و تاریخی که هدف آن توصیف نظام‌هایی از ارزشها و عادات زندگی گروههای خاصی از انسانهاست، می‌باشد. و رویکردش به اخلاق، با روش تجربی و توصیفی است و در حیطه مطالعه مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان، تاریخ‌دانان و روان‌شناسان قرار دارد.^۳ روش این نوع مطالعه، روش نقلی است نه عقلی. در واقع اگر چه کاملاً امکان دارد که تنظیم و تدوین این نظامهای حاکم بر زندگی، توسط فلاسفه صورت گرفته باشد؛ اما بررسی آنها به روش تجربی صورت می‌گیرد و در حیطه کار مردم‌شناسان است.^۴ و چون جهت پاسخ‌گویی به پاره‌ای مسائل هنجاری و فرا اخلاقی، از نظریات روانشناختی و انسان‌شناختی استفاده می‌شود، این نوع مباحث نیز در فلسفه اخلاق کاربرد دارند.^۵

^۱- Descriptive ethics

^۲- گیبارد، آلن، داروال، استیونسون، نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم، (ترجمه مصطفی ملکیان)، ص ۸

^۳- فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۷۶، فلسفه اخلاق، (ترجمه هادی صادقی)، ص ۲۵

^۴- همان، ص ۳۹

^۵- همان، ص ۲۷

۱-۱-۲-۲-۱-۱ اخلاق کاربردی^۱:

به کاربرد اخلاق فلسفی در زندگی واقعی توجه نشان می‌دهد. اخلاق کاربردی به تحلیل موضوعات اخلاقی خاصی می‌پردازد، که غالباً در معرض اختلاف نظرهای فراوانی قرار دارند. مسائلی همچون سقط جنین،^۲ حقوق حیوانات و قتل ترحمی^۳ از جمله مباحث مطرح در اخلاق کاربردی است. اخلاق پزشکی یکی از عمده‌ترین بخشهای اخلاق کاربردی است و به مسائل متنوعی می‌پردازد. مثلاً اینکه آیا یک پزشک مسئول است در مورد نزدیک بودن مرگ بیمار خود، حقیقت را به او بگوید^۴ یا آیا می‌تواند با تجویز یک دارو، انسانی را که در حال رنج کشیدن است، به مرگی شیرین هدایت کند. مسائل مربوط به محیط زیست و اخلاق محیطی و همین‌طور اخلاق مشاغل، دو حوزه عمده دیگر اخلاق کاربردی است.

ما در اخلاق کاربردی در صدد تطبیق اصول اخلاقی از پیش پذیرفته شده خودمان، بر موارد خاص و یا جزئی هستیم و در پی تعیین مصادیق خارجی درست و نادرست و یا الزامی و غیر الزامی در زندگی روزمره هستیم، از این نظر اخلاق کاربردی ارتباطی تنگاتنگ با نظریه‌های هنجاری دارد. چرا که اصول عام اخلاقی و معیارهایی که در باب تعیین درست و نادرست و بایستگی اعمال و رفتارها، به عنوان راهنمای رفتار، پذیرفته و برگرفته‌ایم، می‌تواند تأثیر مستقیمی در تعیین وظیفه اخلاقی و تشخیص حسن و قبح در این موارد خاص و جزئی خارجی، داشته باشد^۵ از همین‌رو، نوع نظر و نگاهی که در مباحث و معضلات مطرح در اخلاق کاربردی خواهیم داشت، بسته به نظام و نظریه هنجاری و ملاک و معیاری که پذیرفته‌ایم، متفاوت خواهد بود.

اخلاق مهندسی^۶، اخلاق تجارت^۷، اخلاق کامپیوتر^۸، اخلاق پژوهش‌های علمی و همچنین اخلاق حرفه‌ای از دیگر شاخه‌های مهم اخلاق کاربردی به حساب می‌آیند.

^۱ - Appliedethics

^۲ - Abortion

^۳ - Euthanasia

^۴ - Fieser, James, Ethics The Internet Encyclopedia of Philosophy.

^۵ - Bedeu, Hugo, 1999, In Encyclopedia of Ethics, "Applied Ethics" Edited by Leventec Becker and Charlotte, B. Becker, New York and London, Rutledge.

^۶ - Engineering Ethics

^۷ - Business Ethics

^۸ - Ethic of Computer

۱-۱-۲-۳- اخلاق هنجاری^۱:

موضوع اخلاق هنجاری، افعال اختیاری انسان است و اهم مسائل آن، عبارت است: از تعیین و تعریف حسن و قبح، هنجارها و بایدها و نبایدها.

دو محور اساسی اخلاق هنجاری عبارتند از: ۱) عرضه و ارائه نظریه‌ای تا حد امکان ساده و سهل‌الوصول و دقیق و جامع در باب تعیین حسن و قبح و صواب و ناصواب و بایستگی اعمال و رفتارها. ۲) دفاع فلسفی از یک نظریه اخلاقی و هنجاری و تبیین و توجیه فلسفی اصول و احکام اساسی آن.

به عبارتی در اخلاق هنجاری، بحث از مصادیق فعل خوب و بد و مطلوب و نامطلوب به میان می‌آید و فیلسوف اخلاق، در صدد است تا صرف‌نظر از مباحث صرفاً تحلیلی، معیاری بدست دهد و تعیین کند که کدام یک از اعمال و رفتارهای اختیاری آدمی صواب یا خطا و الزامی و بایسته است و برحسب معیار و دیدگاهی که در اخلاق هنجاری می‌پذیرد، نظریه اخلاقی را سامان می‌دهد و به دفاع از آن می‌پردازد. اخلاق هنجاری از آن جهت که راهنمای عمل و ناظر بر افعال انسان است و جنبه مصداقی دارد، از آن به اخلاق درجه اول^۲ تعبیر می‌شود.^۳

نحوه‌ای تفکر هنجاری که از معیارهای کلی اخلاقی بحث می‌کند و در جستجوی معیار درستی و خوبی است. این اخلاق در پی این است که به سؤالات خاص یا عام درباره آنچه خوب، درست یا الزامی است پاسخ دهد.

نظریه‌های اخلاقی، قسمت اعظم مباحث فلسفه اخلاق هنجاری را تشکیل می‌دهند. انواع مختلف و متنوع نظریه‌های اخلاقی، وظیفه‌گرا، غایت‌گرا، و اخلاق فضیلت‌محور، و اخلاق مبتنی بر حق همگی تحت عنوان مباحث اخلاق هنجاری طرح و تحلیل می‌شوند.

فایده‌گرایی اخلاقی که موضوع بررسی در این تحقیق است یک نظریه هنجاری و زیرمجموعه نظریه‌های غایت‌گرا است و اساساً این تحقیق عمدتاً در حوزه اخلاق هنجاری صورت می‌گیرد.

^۱- Normative ethics

^۲- First Order Ethics

^۳- جوادی، محسن، مسأله باید و هست، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۸، ۱۹

۱-۱-۲-۴- فرا اخلاق^۱:

فرا اخلاق یا اخلاق تحلیلی، مشتمل بر مجموعه‌ای از مباحث فلسفی، با رویکردی تحلیلی در حوزه اخلاق است، و مباحث مطرح در آن در مقایسه با مباحث مورد بحث در اخلاق هنجاری بیشتر، نقش مفهومی و معرفت‌شناختی دارند، فرا اخلاق به تعیین و تبیین پیش‌فرض‌های اساسی و بنیادین اخلاق هنجاری ناظر است و به لحاظ نظری مقدم بر اخلاق هنجاری است و مبادی تصدیقی و تصویری آن را فراهم می‌آورد.

فرا اخلاق به بحث و نظر در باب ماهیت اخلاق و زبان اخلاق می‌پردازد و موضوع آن ارزش‌دآوری‌ها و تحلیل معنی و مفاد جملات اخلاقی است و از آن به مابعدالطبیعه اخلاق هم نام برده می‌شود و در مقایسه با اخلاق هنجاری، به آن اخلاق درجه دوم^۳ اطلاق می‌شود. اهم مباحث و مسائل مطرح در شاخه فرا اخلاق را می‌توان تحت عناوین ذیل طبقه‌بندی کرد مباحث معناشناختی، مباحث معرفت‌شناختی و مباحث منطقی.^۴ در واقع فرا اخلاق نوعی تفکر تحلیلی، انتقادی یا فرا اخلاقی است که نظریه‌ها و قضاوت‌های اخلاقی را موضوع تحلیل فلسفی قرار می‌دهد، در پی اثبات و توجیه^۵ احکام اخلاقی و ارزشی و نیز معنا و کاربرد درست خوب بوده، به ماهیت اخلاق و تفاوت‌های اخلاقی و غیر اخلاقی می‌پردازد.^۶

۱-۱-۳- نظریه‌های اخلاقی و تقسیم‌بندی آنها:

نظریه‌های اخلاقی با مسائلی درباره ماهیت و شأن احکام و صفات اخلاقی سر و کار دارند و در پی به دست دادن روشی عام و کلی برای حل مسائل اخلاقی خاص هستند.^۷ به هر حال مکاتب اخلاقی را می‌توان بر اساس نظریات اخلاق هنجاری دسته‌بندی کرد. این نظریه‌ها را با توجه به معیاری که برای تعیین خوب و بد و تشخیص درست از نادرست ارائه داده‌اند، به دو دسته کلی تقسیم کرده‌اند؛ نظریه‌های غایت‌گرایانه و نظریه‌های وظیفه‌گرایانه.^۸

^۱ - Meta- ethics

^۲ - Bowie, Bob, 2001, Ethical Studies, London: Wellston Thoranes ltd

^۳ - Second Order Ethics

^۴ - گیبارد، آلن، داروال، استیونسون، نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم، (ترجمه مصطفی ملکیان)، ص ۵

^۵ - Justification

^۶ - فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، (ترجمه هادی صادقی)، ص ۲۶

^۷ - مک ناوتن، دیوید، بصیرت اخلاقی، (ترجمه محمود فتحعلی)، ص ۲۵۷

^۸ - مصباح، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۲۴

۱-۱-۳-۱- نظریه‌های اخلاق هنجاری:

۱-۱-۳-۱-۱- نظریات غایت‌گرایانه:

واژه Teleological از لغت یونانی Telos به معنی هدف و غایت گرفته شده و در کاربرد فلسفی معاصر، به مجموعه‌ای از نظریه‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که، درستی و نادرستی و ارزشها و الزامات اخلاقی را با توجه به غایت اعمال و افعال معین می‌کنند.^۱

نظریه‌های غایت‌گرا در حوزه اخلاق هنجاری متنوع‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از نظریه تکامل‌گرایی^۲ نیچه و ارسطو و فلسفه اخلاق تکاملی^۳ و همچنین همه اقسام نظریه‌های پیامد‌گرا^۴ از جمله شکل‌های متنوع نظریه فایده‌گرایی، نام برد.

به بیان دیگر نظریه‌های غایت‌انگار در اخلاق هنجاری یا رفاه‌گرا و بیشینه‌نگراند و به رفاه و بهزیستی جمعی و یا فردی و حداکثرسازی فایده نظر دارند، که از آنها به عنوان نظریه‌های پیامد‌گرا، تعبیر می‌شود، یا اینکه به رشد و شکوفایی و کمال و تعالی فردی ناظرند و رویکردی غیر رفاه‌گرا دارند و چندان در پی حداکثرسازی چیزی مثل فایده و سود یا رفاه و خوشی نیستند، بلکه کمال و شکوفایی شخصیت را در اولویت قرار می‌دهند، از این نظریه‌ها به عنوان کمال‌گرایی یا سعادت‌گرایی تعبیر می‌شود^۵ از جمله دیدگاه اخلاقی ارسطو که با نام فضیلت‌گرایی مطرح است، نظریه‌ای غایت‌گرا و کمال‌گراست.

برای مثال نظریه اخلاقی نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) فیلسوف آلمانی هم زیرمجموعه این دسته از نظریه‌ها قرار می‌گیرد. در نظر نیچه، بهترین هدف رسیدن به عالی‌ترین شکل انسانیت به لحاظ فردی و فرهنگی است. نیچه به میزان تولید این دستاورد و میزان سود و لذتی که از آن ناشی می‌شود، چندان اهمیتی نمی‌دهد. هدف نیچه بهترین اوضاع و احوال است و این معمولاً به حداکثر رساندن چیزی محسوب نمی‌شود.^۶

۱- بکر، لارنس، سی، تاریخ فلسفه اخلاق غرب، (ترجمه گروهی از مترجمان)، ص ۱۶۹

۲- Perfectionism

۳- Evolutionary Ethics

۴- Welfarists

۵- Hurka, Thomas, 1999, "In Encyclopedia of Ethics", "Perfectionism" Edited by, Lawrence, C. Becker and Charlotte, B. Becker. New York and London, Rutledge

۶- بکر، لارنس، سی، تاریخ فلسفه اخلاق غرب، (ترجمه گروهی از مترجمان)، ص ۱۷۰

بر خلاف نظریه‌های پیامدگرا مثل خودگروی یا فایده‌گروی که در صدد به حداکثر رساندن لذت خوشی و خوشبختی شخصی یا رضایت‌خاطر جمعی‌اند.

بر اساس نظریه‌های غایت‌گرایانه^۱، ملاک اساسی درست و نادرست و بایستگی و نبایستگی، یک رفتار از لحاظ اخلاقی همان ارزش‌های بیرونی و خارج از حوزه اخلاق است که به وجود می‌آورد. بنابراین یک عمل یا قاعده عمل، تنها در صورتی صواب است که دست کم به اندازه هر بدیل ممکن دیگری موجب غلبه خیر بر شر شود. و تنها در صورتی خطاست، که موجب غلبه خیر بر شر نشود به تعبیر دیگر، ایت‌گرایان برای تشخیص صواب از خطا و درست از نادرست، نتیجه عمل را در نظر می‌گیرند به این شکل که اگر عملی یا قاعده‌ای ما را به نتیجه مطلوب برساند و یا در خدمت وصول به نتیجه مطلوب باشد، خوب و در غیر این صورت بد است.^۲

نظریه‌های پیامدگرا^۳ و بیشینه‌نگر:

پیامدگرایی، عمدتاً شامل سه نظریه اخلاقی خودگروی، دیگرگروی و فایده‌گروی اخلاقی می‌شود ما در اینجا به اختصار به این سه نظریه اخلاقی اشاره خواهیم کرد اگر چه تقریرهای پیامدگرای دیگری هم در دوره‌های اخیر ارائه شده است.

۱-۱-۳-۲- دیدگاه غایت‌انگاران در مورد معانی غیر اخلاقی^۴ خوب:

غایت‌انگاران درباره اینکه چه چیزی به معنای غیر اخلاقی خوب است، دیدگاه‌های مختلفی

^۱- Teleological theories

^۲- فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، (ترجمه هادی صادقی)، ص ۴۵

^۳- تا سال ۱۹۶۰ میلادی عمدتاً بسیاری از فیلسوفان، پیامدگرایی را با فایده‌گرایی یکی می‌دانستند و این دو واژه را به جای هم استعمال می‌کردند. اما اکنون پیامدگرایی را به طور عام برای اشاره به مجموعه‌ای از نظریه‌های اخلاقی به کار می‌گیرند، که فایده‌گرایی یکی از آنهاست. و فایده‌گرایی را هم به نوع خاصی از پیامدگرایی خصوصاً تقریر بتنام و میل اطلاق می‌کنند و البته جعل پیامدگرایی برای نظریه‌های رفاه‌گرا، از یک جهت سبب تمیز آن از نظریه‌های غایت‌گرایانه‌ای همچون فضیلت‌گروی می‌شود (Thomas Mautner, 582)

^۴- Good Non-moral

دارند. برخی از آنها لذت را به عنوان غایت فعل اخلاقی معرفی کرده‌اند. یعنی لذت‌گرایند و خوب را به خوشی و بد را به رنج تعریف می‌کنند. یعنی عمل و قاعده عملی درست است که غلبه خوشی بر رنج را ایجاد کند. برخی نیز لذت‌ناگرایند و چیزهای دیگری از جمله قدرت، کمال، تحقق نفس^۱ را به عنوان غایت فعل اخلاقی در نظر می‌گیرند.^۲

۱-۱-۳-۱-۳- انواع نظریات غایت‌گرایانه:

غایت‌گرایان درباره اینکه باید به دنبال فراهم آوردن خیر چه کسی باشند اختلاف نظر دارند و در این رابطه به دو دسته تقسیم می‌شود خود‌گروی اخلاقی و فایده‌گروی.^۳

۱-۱-۳-۱-۴- خود‌گرایی و دیگر‌گرایی:

خود‌گروی اخلاقی:

خود‌گروی معمولاً به دو شاخه تقسیم می‌شود: (۱) خود‌گروی روانشناختی^۴ (۲) خود‌گروی اخلاقی.

خود‌گروی روانشناختی یک نظریه اخلاقی نیست، بلکه یک دیدگاه روانشناختی درباره نوع رفتارهای آدمی و انگیزه اعمال انسان‌هاست، که عمدتاً از سوی برخی روان‌شناسان و انسان‌شناسان مورد توجه و تأیید واقع شده است. اما خود‌گروی اخلاقی یک نظریه اخلاقی غایت‌گرا و پیامد‌گرا در حوزه اخلاق هنجاری است، که قرن‌ها در تفکر اخلاقی جای داشته است. اگرچه نظریه‌ای فراگیر، مردمی و چندان معقول نبوده، اما همیشه طرفدارانی داشته و از فهرست نظریه‌های اخلاقی پاک نشده است.

در این نظریه معیار درستی و نادرستی اعمال میزان سود و منفعت شخصی است بر این اساس کاری درست است که به سود شخصی بیشتری بیانجامد. توماس هابز از جمله خود‌گروان اخلاقی می‌باشد.

^۱ - Self- realization

^۲-فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، (ترجمه هادی صادقی)، ص ۴۵

^۳- همان

4- Psychological Egoism

بر اساس نظریه خودگرایی، انسان باید همیشه کاری کند که بیشترین خیر خودش را ایجاد کند. عمل و قاعده عمل درست، آن است که در دراز مدت برای شخص، ایجاد خیر و خوشی کند و باعث غلبه خیر بر شر شود، در غیر این صورت خطاست. آرسیتیپوس^۱ (۴۳۵-۳۵۰ ق.م) اپیکور^۲ (۳۴۷-۲۷۰ ق.م) هابز^۳ (۱۵۸۸-۱۶۷۹) و نیچه^۴ (۱۸۴۴-۱۹۰۰) از این نظریه دفاعی می‌کردند.^۵

دیگرگروی:

تعریف دیگرگروی^۶ همیشه تا حدی مبهم و سخت بوده است. برخی از روانشناسان دیگرگروی را کمک آگاهانه و ارادی به دیگران تعریف کرده‌اند. اما چه بسا چنین اعمالی ارادی و دلبخواهی صرفاً به دلیل و انگیزه‌های خودخواهانه صورت گیرد.

دیگرگروی به عنوان نظریه‌ای هنجاری، در طرف مقابل خودگروی قرار می‌گیرد. خودگروان تنها به سود و سعادت شخصی نظر دارند، اما دیگرگروان معتقدند، باید تنها به فکر ایجاد سود و منفعت برای دیگران غیر از خودمان باشیم و هیچ منفعت شخصی را هدف اصلی اعمال خود قرار نمی‌دهند. که این عمل آنها یعنی نادیده گرفتن سود شخصی از لحاظ روانشناسی محل تردید قرار می‌گیرد.

۱-۱-۳-۱-۵- فایده گرایی:

همه‌گروی اخلاقی، یا آنکه اغلب فایده‌گرایی نامیده می‌شود، این موضع را اتخاذ می‌کند که مقصود نهایی، عبارت است از بیشترین خیر عمومی عمل یا قاعده عمل، در صورتی صواب است که به غلبه خیر بر شر در کل جهان منجر شود، یا احتمالاً منجر شود و خطاست، اگر چنین نشود و الزامی است، اگر تحقیقاً یا احتمالاً به بیشترین غلبه خیر بر شر بینجامد. جرمی بنتام و جان استوارت میل از مدافعان این نظریه بوده، و درباره آنچه خوب است، لذت‌گرا بودند و مدعی‌اند غایت اخلاق، بیشترین غلبه لذت بر الم است، فایده‌گرایی چون جی‌ای مور^۷ و هستینگز رشدال^۸، لذت‌گرا نبودند، بنابراین فایده‌گروان آرمانی

^۱- Aristippos

^۲- Epicurus

^۳- Thomas Hobbes

^۴- Friedrich Nietzsche

۵- (همان، ص ۴۸)

^۶- Altruism

^۷- G. E. Moore

^۸- Hastings Rashdall

نامیده شده‌اند. البته ممکن است نظریات غایت‌گرایانه دیگر نیز باشد، که بین خودگروی و فایده‌گروی قرار دارند. از جمله کسانی که غلبه خیر بر شر را برای گروهی خاص، ملت، طبقه یا نژاد خاصی می‌خواهند.

فایده‌گروی نظریه‌ای حد وسط خودگروی و دیگرگروی اخلاقی است. نه دیگرگروی محض را معقول و مقبول می‌داند و نه توجه کامل به خود را می‌پسندد. بلکه بر این باور است که فرد باید به فکر ارتقاء سود و فایده و سعادت و ایجاد بیشترین میزان غلبه خیر بر شر برای همه افراد و اعضای جامعه اخلاقی ذریبط باشد، که البته این ((همه افراد)) در مقام تحقق خارجی به اکثریت افراد، منتهی خواهد شد. حال با توجه به آنچه تا کنون گفته شد، می‌توان به دورنمایی از تعریف فایده‌گرایی و جایگاه و جغرافیا و مقام و موقعیت آن در بین نظریه‌های اخلاقی دست یافت.

فایده‌گرایی یکی از نظریه‌های اخلاق هنجاری و از دسته نظریه‌های غایت‌انگار، رفاه‌گرا و پیامدنگر است. و خودگرایی را به دلیل مشی افراط‌گرایی آن و دیگرگروی را هم به جهت مرام تفریط‌گرایانه‌اش، ناصواب شمرده و نمی‌پسندد و به جمع‌گرایی تمایل دارد.

از سویی دیگر، فایده‌گرایی که در تقابل با نظریه‌های وظیفه‌انگار است، به نوعی، وجه جمع بین وظیفه‌انگاری و خودگرایی اخلاقی هم می‌تواند به حساب آید، چرا که وظیفه‌گرایان اگرچه علاوه بر خود به دیگران اهمیت می‌دادند، ولی خیلی در بند ازدیاد خیر و در فکر ارتقاء فایده و سعادت نبودند. و برعکس، خودگروان اگرچه در تب و تاب ازدیاد سود و فایده بودند، اما تنها منفعت و سود شخصی را مد نظر داشتند و به سود و منفعت دیگران چندان بها نمی‌دادند.

اما فایده‌گرایی این خلأ و نقیصه را در آن واحد جبران می‌کند. چرا که هم دغدغه ارتقاء و ازدیاد میزان نفع و سعادت را دارد و نظریه‌ای رفاه‌گراست و سود و نفع و لذت جمعی و همگانی را هم مورد توجه قرار می‌دهد نه فقط لذت و منفعت شخصی.

تا به اینجا کوشیدیم که نظریه فایده‌گرایی را در جمع نظریه‌های اخلاقی نشان دهیم. از این پس و در فصلهای بعدی، به شاخصه‌ها و ویژگیهای فایده‌گرایی اخلاقی اشاره خواهیم کرد، تا با تحلیل ویژگیها و شاخصه‌های فایده‌گرایی به تعریفی دقیق‌تر و جامع‌تر از فایده‌گرایی نائل آئیم.

فایده‌گرایی در زمان حیات بنتام و پس از او در شاخه‌های مختلف علمی از جمله حقوق، سیاست و اقتصاد، تأثیرات فراوانی نهاد و به جنبش بزرگی تبدیل گشت و بسیاری از فیلسوفان و متفکران را نه تنها به خود مشغول، بلکه شیفته ساخت.

۱-۱-۳-۱-۶- نظریه‌های وظیفه‌گروانه^۱:

دسته دوم از نظریات اخلاق هنجاری، نظریه‌های وظیفه‌گرایانه نامیده می‌شوند. این نظریه‌ها معیار فعل اخلاقی و حسن و قبح افعال اختیاری انسان را در هماهنگی و عدم هماهنگی آنها با وظیفه جستجو می‌کنند.^۲ این نظریات نیز بسته به نقشی که به قواعد کلی می‌دهند به دو نوع تقسیم می‌شوند.

۱-۱-۳-۱-۷- وظیفه‌گرایی عمل‌نگر^۳:

وظیفه‌گرایان عمل‌نگر به دنبال این هستند که در موارد جزئی، وظیفه اخلاقی ما را تعیین کنند. مانند «در این موقعیت آقای X باید چه بکند و چه نکند» و احکام کلی را بی‌فایده می‌دانند و معتقدند: در تمامی موقعیت‌های جزئی، بدون توسل به هیچ قاعده‌ای، تصمیم بگیریم که چه چیزی درست است یا باید انجام شود. ای. اف. کریت^۴ و شاید اچ. ای. پریچارد^۵ چنین نظری داشته‌اند و ارسطو نیز چنین نظری را پیشنهاد کرده است.^۶

۱-۱-۳-۱-۸- وظیفه‌گرایی قاعده‌نگر^۷:

وظیفه‌گرایان قاعده‌نگر معتقدند؛ که برای تشخیص صواب و خطا، قواعدی وجود دارد و با توجه به این قواعد که ممکن است انضمامی مانند «باید همواره راست گفت» یا قواعد انتزاعی مانند «اصل عدالت»^۸ هنری سیجویک باشد. می‌توان اعمال صواب را از اعمال خطا تشخیص داد. نظریه امر الهی^۹ یا نظریه

^۱- Deontological Theories

۲- مصباح، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۲۵

3- Act-deontological

4- E. F. Carritt

5- H. A. Prichard

۶- فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، (ترجمه هادی صادقی)، ص ۲۷

7- Rule-deontological

8- Justice

9- Divine Command Theor

فائلان به حسن و قبح^۱ شرعی و همچنین نظریه اخلاقی کانت، از جمله مشهورترین نظریات وظیفه‌گرای قاعده‌نگر به حساب می‌آیند.

۱-۱-۳-۲- جایگاه نظریه فایده‌گروی در میان نظریه‌های فرااخلاق:

یک شیوه برای دسته‌بندی مکاتب و نظریه‌های اخلاقی این است که بر اساس نظریات مربوط به فرااخلاق، به ویژه مسأله واقع‌گرایی^۲ و غیر واقع‌گرایی^۳ آنها را تقسیم کنیم. نظر برخی فیلسوفان درباره حقیقت جملات اخلاقی این است، که احکام و جملات اخلاقی از سنخ جملات انشایی بوده و از هیچ واقعیت خارجی حکایت نمی‌کنند و در نتیجه قابل صدق و کذب نیستند که آنها را نظریات غیر واقع‌گرای اخلاقی می‌گویند. در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند، جملات اخلاقی از سنخ جملات خبری بوده از عالم واقع حکایت می‌کنند و آنها را قابل صدق و کذب دانسته و نظریات واقع‌گرایی می‌گویند. به یقین هیچ مکتبی را نمی‌توان سراغ بگیریم که در یکی از این دو دسته جای نگیرد.

۱-۱-۳-۱- مکاتب و نظریات غیر واقع‌گرا:

۱- احساس‌گرایی^۴

۲- توصیه‌گرایی^۵

۳- جامعه‌گرایی^۶

۴- قرارداد‌گرایی^۷

۵- نظریه امر الهی و یا حسن و قبح شرعی

۱-۱-۳-۱-۱- مکاتب واقع‌گرا:

مکاتب واقع‌گرا بر اساس اینکه واقعیت احکام و قضایای اخلاقی را واقعیت‌های طبیعی و یا ما بعدالطبیعی بدانند به دو دسته واقع‌گرای طبیعی و واقع‌گرای ما بعدالطبیعی تقسیم می‌کنند.

^۱- Theological Voluntary

^۲- Realism

^۳- Non-realism

^۴- Emotivism

^۵- Prescriptivism

^۶- Societiyism

^۷- Conventionism

۱-۱-۳-۲-۳- مکاتب واقع‌گرای طبیعی:

۱- لذت‌گرایی^۱

۲- فایده‌گرایی^۲

۳. دیگرگرایی / عاطفه‌گرایی^۳

۴- قدرت‌گرایی

۵- تطور‌گرایی

۶- وجدان‌گرایی

۱-۱-۳-۲-۴- مکاتب واقع‌گرایی مابعدالطبیعی:

۱- مکتب کلبی

۲- مکتب رواقی

۳- مکتب کانت

۴- سعادت‌گرایی (سقراط، افلاطون، ارسطو)

۵- مکتب اخلاقی اسلام^۴

در این بخش به بررسی دسته‌ای از نظرات واقع‌گرای طبیعی که معیار خوب و بد احکام اخلاقی را لذت می‌دانند، می‌پردازیم که مکاتب لذت‌گرایی و فایده‌گرایی از جمله این نظریه‌ها می‌باشد.

۱-۲- بخش دوم: بررسی نظریه‌های لذت‌گرا

۱-۲-۱- لذت‌گرایی^۵:

¹- Hedonism

²- Utilitarianism

³- Altruism

⁴ - مصباح، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۳۲ تا ۲۷

⁵- Hedonism

یکی از کهن‌ترین و در عین حال قوی‌ترین و جذاب‌ترین دیدگاه‌ها در مورد منشأ ارزش اخلاقی^۱ و امور ذاتاً خوب، لذت‌گرایی اخلاقی است. عموم لذت‌گرایان اخلاقی مدعی هستند که فقط و فقط لذت^۲ ذاتاً خوب است و یگانه معیاری که می‌توان با آن ارزش افعال آدمی را محاسبه کرد. لذت است. لذت‌گرایی اخلاقی، مدعی است که فقط حالات خوشایند نفس را می‌توان دارای مطلوبیت یا نامطلوبیت ذاتی دانست.^۳

لذت‌گرا معتقد است، هر آنچه اخلاقاً نیک از کار در می‌آید، همان است که از آن لذت می‌بریم. به بیان دیگر، دلیل نیکی هر چیزی لذتی است که می‌دهد، یا به آن پیوسته است. صورت‌های مختلف لذت‌گرایی در طول تاریخ از سوی فیلسوفان اخلاق مورد توجه فراوان بوده است. مباحث مهم درباره این موضوع در آثار افلاطون^۳، ارسطو^۴، آریستپوس و اپیکور، در میان فیلسوفان یونان باستان و در فیلسوفان معاصر، جان لاک، هابز، هیوم، جرمی بنتام، استوارت میل، سیجویک جورج ادوارد مور... دیده می‌شود.

در دیدگاه افلاطون و ارسطو از لذت به سعادت تعبیر می‌شود. لذت‌های حسی و حیوانی به سیر نائسیسم شهرت دارد. که لذت‌گرایی اپیکوروسی را شامل می‌شود و لذت به معنای سود در فایده‌باوری به کار می‌رود، که شناخته‌ترین شارحانش، جرمی بنتام (۱۷۴۷-۱۸۳۲) و جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳) می‌باشند.^۵

۱-۲-۲- مهم‌ترین گزاره‌های مورد قبول لذت‌گرایان:

۱- سعادت همان لذت یا خوشایندی است همه لذت‌گرایان بر این عقیده‌اند که سعادت چیزی جز لذت و برخورداری هر چه بیشتر از لذت نیست.

۲- همه لذت‌ها ذاتاً خوبند، یا هر چیزی که به خودی خود، خوشایند باشد، به خودی خود خوب است. البته ممکن است لذت‌گرا جایز بداند که برخی لذت‌ها از نظر اخلاقی بد یا نادرست باشند، یا نتیجه‌شان بد باشد.

¹ - Moral Value

² Pleasure

³-Brandt, R. B, 1972, In Encyclopedia of Philosophy, "Hedonism" Paul Edwards

⁴-Plato

⁵- Aristotle

^۶- مصباح، محمد تقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۱۰۹

۳- تنها لذت‌ها ذاتاً خوب هستند و چیز دیگری جز لذت دارای ارزش ذاتی نیست. البته اعتقاد به ارزشهای ابزاری و عرضی نیز دارند. ۴- لذت و خوشایندی ملاک و معیار خوبی ذاتی است.^۱ پس لذت‌گرایان معتقدند که چیزهای دیگر به جز لذت، فقط به عنوان وسیله لذت خویند، نه به خاطر خودشان یا به عنوان غایات بالذات. آریستیپوس شاگرد سقراط^۲ و مکتب کورناییان^۳ که او مؤسس آن است، به این نظر معتقدند. این نظریه با اپیکوریان پیوند دارد و در زمان‌های جدید نیز مورد اعتقاد فایده‌گرایان است. البته همه این فلاسفه در اینکه منظورشان از لذت چیست و چه دلیلی برای اثبات آن دارند، با هم اختلاف دارند.^۴ در اینجا به ترتیب به بررسی این مکاتب لذت‌گرا می‌پردازیم.

۱-۲-۳- مکتب لذت‌گرائی شخصی:

این مکتب که به لذت‌گرای حسی ساده^۵ و لذت‌گرای آریستیپوسی^۶ (یکی از شاگردان سقراط در قرن پنجم قبل از میلاد) معروف است، بیشتر به طبیعت فرد و احساس او توجه دارد، که چه چیزی مطابق طبیعت او بوده و لذت‌آور است. اگر از چیزی لذت ببریم خوب و خیر، و گرنه شر است. لذات مطلوب در این مکتب سه ویژگی دارد؛ نخست آنکه فردی است نه جمعی، دوم آنکه دنیوی است و سخنی از لذتهای اخروی به میان نیامده است. سوم آنکه در بند اکنون و حال است، نه غم گذشته را دارد و نه دغدغه آینده را. این مکتب مطلق لذت را خیر و خوب دانسته و به آن توصیه می‌کند و مطلق الم را شر و بد دانسته و از آن بر حذر می‌دارد.^۷

۱-۲-۴- مکتب اپیکوریسم:

این مکتب منسوب به اپیکور^۸ (۳۴۲-۲۷۰ ق.م) یکی از فیلسوفان یونان باستان می‌باشد. اپیکور لذت را غایت زندگی می‌داند. که هر موجودی در جستجوی آن است. او می‌گوید: «... ما برآنیم که لذت مبدأ و غایت زندگی سعادت‌مندان است، زیرا ما این را به عنوان نخستین «خیر» می‌شناسیم که ذاتی ما و همزاد ماست و با توجه به آن است که به هر انتخابی مبادرت می‌ورزیم».^۹

۱- مصباح، محمد تقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۱۰۹

2- Socrates

3- Cyrenaicism

۴- مور، جورج ادوارد، مبانی اخلاق، (ترجمه غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی)، ص ۲۰۶

5- Simple sensory Hedonism

6-Aristippos

۷- مصباح، مجتبی، بنیاد اخلاق، ص ۶۸ و ۶۷

8- Epicure

۹- کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه یونان و روم، ج ۱، (ترجمه سیدجلال‌الدین مجتوی)، ص ۱۴۵